



گزارش ۲

## واکنش

## به‌هاریسون سوزی

سر و ته ویدئو فقط ۲۵ ثانیه است؛ ۲۵ ثانیه‌ای مملو از یاس بابت این همه اشتباهی که در ثانیه‌ها موج می‌زند. کسانی از زن و مرد دور اتاقی نشسته‌اند و یک استانبولی بنایی گذاشته‌اند وسط و می‌خواهند یک کتاب را آتش بزنند. دستی می‌آید وسط تصویر، گوشه جلد کتاب را می‌گیرد و کسی که فندک به دست است جلد کتاب را می‌گیرد و می‌گوید این مراسمی است نمادین از تمام شدن دوره طب شیمیایی در همه جهان به حول و قوه الهی و کتاب که آتش می‌گیرد زنی از اهل مجلس از دیگران می‌خواهد به یمن این سوختن، صلواتی ختم کنند.

فیلم همین‌قدر کوتاه است، ولی پس‌لرزه‌های آن اصلا کم و کوتاه نیست. از روز جمعه که این فیلم در فضای مجازی خریدت تا روز بعدش که تقریباً خیلی‌ها این ویدئو را دیدند موج انتقاده‌ها به سمتی رفت که تقریباً همه یکصدا مقابل این رفتار جبهه گرفتند، هم مقابل این رفتار و هم برابر باعث و بانی اش، شخصی به نام عباس تبریزیان که طرفدارانش او را آیت‌ا... خطاب می‌کنند، ولی گویا حجت‌الاسلام است، مردی با ریش‌های خضاب شده که خودش را پدر طب اسلامی می‌داند و زاویه‌ای تند با طب شیمیایی دارد.

کتابی که در استانبولی او سوخت کتاب اصول طب داخلی‌هاریسون است، از کتاب‌های مرجع در دانشگاه‌های علوم پزشکی جهان که ۷۰ سال است جایگاه مرجع بودن خود را حفظ کرده است.

حتی اگر هاریسون نیز سوزانده نشده بود، کتاب سوزی با این و جنات بازهم قابل نقد بود و هیچ توضیحی نداشت. شاید اگر مغول‌ها حمله می‌کردند و کتاب‌های نفیس ایران سوزانده می‌شد یا اسکندر مقدونی به کشورمان یورش می‌آورد و ۲۰ هزار چرم گاوی را که اوستا رویشان نوشته بود می‌سوزاند، یا اگر زمانه هجوم ترکان به ایران بود و کتابخانه سلطنتی سامانیان پیش چشم‌های ابوعلی سینا به آتش کشیده می‌شد یا حتی سلطان محمود غزنوی داشت کتابخانه ارزشمند ری را می‌سوزاند یا اگر دوره استیلای نازی‌ها بر جهان بود و کتاب نویسندگان یهودی طعمه آتش می‌شد، توضیحی برایشان وجود داشت، ولی این که امروز در عصر ارتباطات و اطلاعات در گوشه‌ای از کشور خودمان، یک کتاب علمی آن هم به دست یک فرد ملیس به تن پوش روحانیت سوزانده شود و طب اسلامی به بدترین شکل ممکن در تقابل با طب شیمیایی معرفی شود، به‌هیچ‌وجه توجیه‌پذیر نیست.

کسانی که در روز روز اخیر علیه این اقدام موضع گرفته‌اند آن را با کلماتی خاص توصیف کرده‌اند که همگی رنگ تاسف دارند، از فاجعه‌ای علمی و انسانی گرفته تا جهل مقدس، رفتار موهن، حرکت جاهلانه و حتی غلبه شعار بر شعور. این کتاب‌سوزی به‌زمع معاون آموزشی وزارت بهداشت یک حرکت عوام‌فریبانه است که نیاز به برخورد مراجع قانونی بسا عامل آن دارد، همچنین از دید رئیس‌کل نظام پزشکی کشور این حرکت یک صحنه نمایش از جنس جهل مقدسی است که تا به حال قربانیان بی‌شماری را به کام مرگ و نابودی کشانده که از قضا این بار خسارات جبران‌ناپذیری برای مردم و بیماران دارد. مدیرکل دفتر نظارت و اعتباربخشی معاونت وزارت بهداشت نیز گفته است دخالت‌های غیرمجاز در امور درمانی را به اطلاع مسئولان رسانده‌اند و سازمان بسیج جامعه پزشکی کشور نیز با سخیف، جاهلانه و افراطی خواندن این اقدام، وحدت و هماهنگی برای مقابله با چنین فجایی را خواستار شده است. در این میان مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه نیز با صدور بیانیه‌ای ضمن اعلام انزجار از آتش زدن کتاب علمی طب‌هاریسون، انتساب این قبیل رفتارها به حوزه و روحانیت را از اساس رد کرده و به نوعی از این شخص و مواضعش اعلام برائت کرده است.

اما عباس تبریزیان که حالا با این واکنش‌های تند روبه‌رو شده باید پاسخگو باشد که چرا در عرض ۲۵ ثانیه با حیثیت یک کشور و یک ملت بازی کرده و به چه حقی چهره‌ای خشن و غیرعلمی از ایران به نمایش گذاشته است، جامعه پزشکی نیز این را مطالبه می‌کند که او چرا در راستای تخریب جایگاه پزشکی رفتار می‌کند و به چه اجاز‌ای در حوزه سلامت آن هم اینچنین افراطی ورود می‌کند.



سال گذشته ۱۷۹هزار طلاق و ۵۵۸هزار ازدواج در کشور ثبت شد

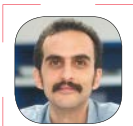
### آماده‌باش استان‌ها برای مقابله با کرونا

ایرج حریری، معاون کل وزارت بهداشت گفت: همه ابزارهای لازم داخل فرودگاه‌ها و آزمایشگاه‌های استانی برای کنترل و مقابله با ورود احتمالی ویروس کرونا تهیه شده است. وی افزود: هم‌اکنون تنها پرواز مستقیم از چین به کشورمان از فرودگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) انجام می‌شود، اما اگر فردی از طریق پروازهای غیرمستقیم وارد فرودگاه دیگری در کشور شود نیز سیستم‌های مراقبتی در هر استان مستقر است. / فارس



### تاثیر محدودیت ثبت طلاق در دفاتر سراسر کشور را بر کاهش طلاق بررسی کرده‌ایم

# سقف طلاق در ثبت طلاق



میثم اسماعیلی

جامعه

سهمیه تعیین شده‌اش نیست.

استدلال مسؤولان کانون سردفتران ازدواج و طلاق در این مورد «جلوگیری از توزیع ناعادلانه درآمد» این دفاتر عنوان شده است. آن‌طور که علی مظفری اعلام کرده پیش از این «شاهد برخی زد و بندها در دفاتر طلاق بوده‌ایم که بدون رعایت موازین اخلاقی طلاق را ثبت می‌کردند، بر همین اساس قرار شده ثبت طلاق مسقف شود.»

خلاصه ماجرا این است که وجود رانت‌هایی در ثبت طلاق و دلالی‌ها و زدو بندهای صورت گرفته باعث شده قوه قضاییه برای جلوگیری از این معضل ثبت طلاق را سهمیه‌بندی کند تا ثبت طلاق در دفترخانه‌ها به صورت عادلانه توزیع شود. اما واکنش‌ها به این موضوع با سوءتعبیری همراه بوده است و آن هم این‌که این‌طور تصور شده است که بخشنامه تازه سعی دارد با سهمیه‌بندی طلاق، آمار این معضل اجتماعی فراگیر را کاهش دهد.

سهمیه‌بندی ثبت طلاق دو محور مهم و قابل بحث دارد. محور اول همان استدلال قوه قضاییه در ایجاد این محدودیت است، یعنی جلوگیری از فساد و رانت‌های ایجاد شده در این حوزه، دومین محور معطوف به ارتباط آن با کاهش آمار طلاق و تبعات احتمالی‌اش در حوزه آسیب‌های اجتماعی است. به این مفهوم که اگر فردی به واسطه محدودیت اعمال شده نتوانست طلاقش را ثبت کند چه اتفاقی خواهد افتاد؟

محور دوم از همان ابتدای رسانه‌ای شدن این خبر بیشتر مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از کاربران فعال فضای مجازی به عنوان آینه‌ای از افکار عمومی تیغ تیز انتقادشان بر این محور استوار بود، این‌که هدف از این بخشنامه پایین آوردن آمار طلاق است و این‌طور نتیجه‌گیری شده بود که با اعمال محدودیت و فشار و زور نمی‌توان صورت‌مساله طلاق را پاک کرد. این استدلال البته که محدود به فضای مجازی نماند و برخی مسؤولان هم در این رابطه اظهار نظر کردند. یکی از آنها مجید رضازاده، معاون توسعه پیشگیری سازمان بهزیستی کشور است که معتقد است: «ایجاد محدودیت در ثبت طلاق به تنهایی برای کاهش میزان طلاق در کشور کافی نیست». بدیهی است که گفته او منشأ همان سوءتعبیر مورد اشاره است. او البته در دسترس نبودن و سهل نبودن روند طلاق را نکته مثبتی می‌داند و به ایسنا می‌گوید: «اگر طلاق را هم موضوعی بدانیم که نمی‌خواهیم میزان آن افزایش یابد، هرچه قدر دسترسی به آن کمتر شود این موضوع هم کمتر می‌شود، بنابراین در این نگاه اگر محدودیتی ایجاد شود کمک‌کننده است، اما باید هزمان و به شکل موازی کارهای دیگری نیز انجام دهیم.»

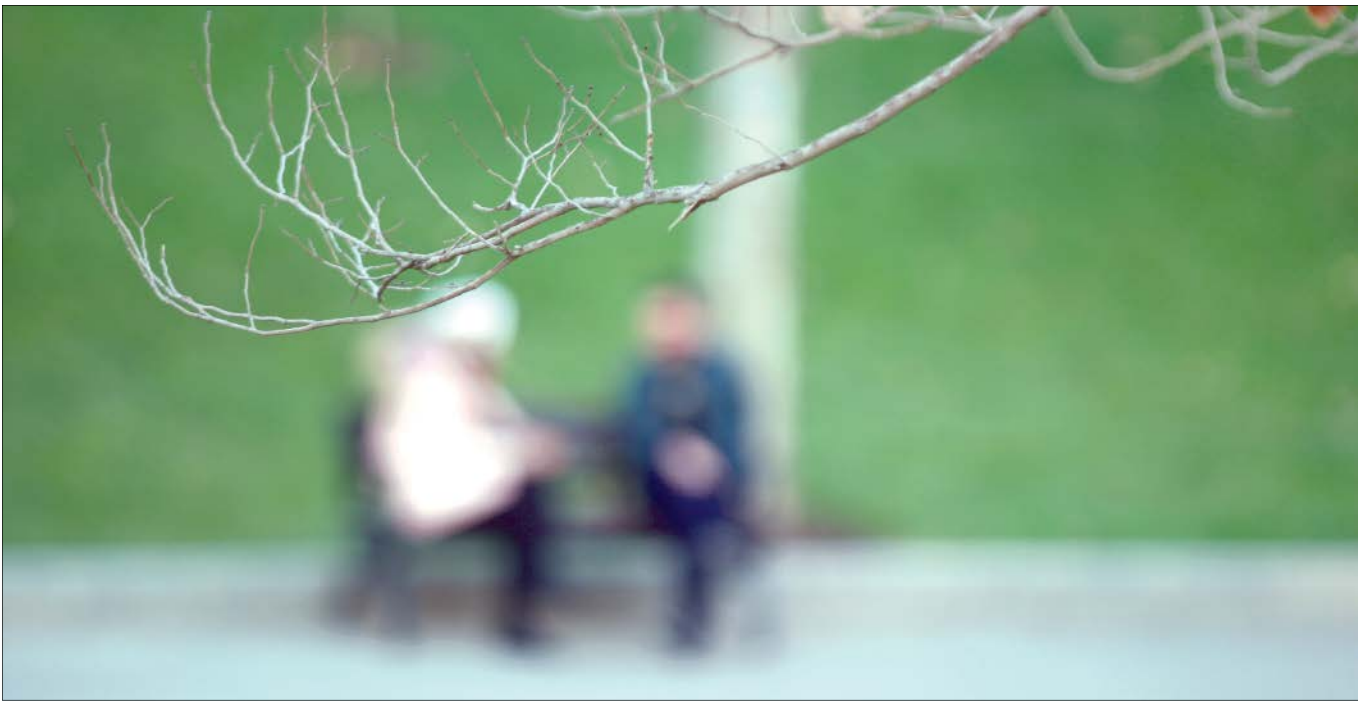
در همین رابطه هم البته انتقادهایی وجود دارد. این‌که محدود کردن روند دسترسی به طلاق می‌تواند تبعات ناخوشایند دیگری را در پی داشته باشد. مجید رضازاده هم به این موضوع اشاره پررنگی دارد. او می‌گوید: «درخصوص کسی که تصمیم خود را گرفته، تمام بیل‌های پشت سرش را خراب کرده و دیگر راهی برای برگشت ندارد، اگر فقط روی محدودیت طلاق تمرکز کنیم و او را به زور در این زندگی نگه داریم عوارضی مانند تمایل به خودکشی، خشونت، فرزندآزاری و... بر فرد عارض می‌شود.»

#### کاهش طلاق با سهمیه‌بندی

این طرح با محوریت موضوع کاهش آمار طلاق موافقانی هم دارد. یکی از آنها اصغر کیهان‌نیا، مشاور خانواده است. او هم بر این باور است که سخت‌تر شدن روند ثبت طلاق در بسیاری از مواقع می‌تواند از به پاشیدن خانواده جلوگیری کند. البته که پیش از این هم محدودیت‌هایی در روند ثبت طلاق وجود داشت این‌که افرادی را که تصمیم به طلاق توافقی دارند، مجبور به ده جلسه مشاوره می‌کردند و اگر در این مدت امکان سازش مهیا نشد آن زمان با تایید

### حال تالاب‌های کشور خوب شد

احمد لاهیجان‌زاده، معاون محیط‌زیست دریایی سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به تاثیر مثبت سیلاب‌های اخیر بر وضعیت تالاب‌های کشور گفت: در حال حاضر مجموعه تالاب‌های بین‌النهرین در خوزستان ۹۰ درصد و تالاب مهارلو در استان فارس ۷۰ درصد آبگیری شده است. وی بابیان این‌که دو تالاب طشک و بختگان در فارس که وضعیت بدی داشتند حدود ۳۵ درصد آبگیری شده‌اند، افزود: بارش‌های هفته اخیر در افغانستان نیز باعث شده وضعیت تالاب‌های سیستان و بلوچستان از جمله تالاب هامون مناسب شود. / ایسنا



### تاثیر محدودیت ثبت طلاق در دفاتر سراسر کشور را بر کاهش طلاق بررسی کرده‌ایم

# سقف طلاق در ثبت طلاق

از راه‌های پرهزینه‌تر کرده‌ایم. ایسن وکیل خانواده می‌گوید: «وقتی جلوی توافقی را در روند ثبت طلاق می‌گیریم افراد از راه‌های دیگر به این کار روی می‌آورند یعنی می‌روند دنبال بحث نفقه، با ایجاد مزاحمت و راه‌های بسیار دیگر، به این شکل که همین بستن راه توافق منجر به تولید پرونده‌های ورودی دیگر به قوه قضاییه می‌شود.»

#### جلوگیری با ایجاد رانت؟

محور دوم مورد بحث اما به صورت عجیبی کمتر دیده شده است، محوری که اتفاقا مورد اصلی استدلال بخشنامه قوه قضاییه در این رابطه است. این‌که دلیل اصلی ایجاد چنین محدودیتی جلوگیری از ایجاد رانت و توزیع عادلانه درآمد دفاتر ثبت طلاق است. جالب این‌که بدانیم در این راستا شورای عالی انقلاب فرهنگی هم در گذشته بررسی‌هایی انجام داده که نتایج آن نشان می‌داد: «۵۰درصد از عوامل افزایش طلاق مربوط به دفاتر ازدواج و طلاق است.» به این مفهوم که زد و بندها و تبانی‌هایی که بیشتر به منظور افزایش درآمد دفترخانه‌ها انجام می‌شد، امکان تفکر و راه بازگشت به زندگی را از برخی از زوجین می‌گرفت و به افزایش آمار طلاق منجر می‌شد.

علی مظفری، رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق هم در این رابطه هشدار داده بود. آن‌طور که او اعلام کرده است: «تعدادی از سردفتران ازدواج و طلاق دفاتر خود را در نزدیکی مجتمع‌های قضایی خانواده دایر کرده‌اند و با تبانی با برخی از کارمندان مجتمع‌های قضایی یا همکاری با برخی دلال‌ها شرایطی را فراهم می‌کردند تا به محض صدور حکم طلاق، زوجین به آن دفترخانه مراجعه کنند.»

جالب این‌که زوجین پس از صدور حکم طلاق سه ماه فرصت دارند تا فکر کنند. به عبارت دیگر، در این سه ماه زمانی ایجاد می‌شود تا شاید زوجین به زندگی مشترک خود بازگردند، اما با حضور دلال‌ها و واسطه‌ها این دسته از زوجین همان روز یا چند روز بعد از صدور حکم برای ثبت طلاق اقدام می‌کنند.

هر چند همین استدلال مورد رضایت بسیاری از فعالان در این حوزه قرار گرفته است، اما انتقادهایی هم در این رابطه مطرح است. یکی از نقدها که اتفاقا از نگاه بسیاری از کارشناسان این حوزه دور نمانده است به تناسب سهمیه‌ها مرتبط است. آرش دولتشاهی، وکیل خانواده در این رابطه به جام‌جم می‌گوید: «سهمیه‌ها باید بر اساس تناسب با نیاز جامعه باشند. اگر چنین موردی در ایجاد سهمیه‌ها دیده نشده باشد، همین موضوع خودش باعث ایجاد یک رانت دیگر می‌شود. می‌تواند حتی منجر به ایجاد بازار سیاه در این حوزه بشود به این صورت که با پرداخت رقم بیشتری، روند ثبت طلاق افراد تسریع شود.»

مثال او در ایجاد فساد و ارتباط آن با تناسب جامعه، تعرفه‌های موجود در رابطه با ثبت طلاق است. دولتشاهی می‌گوید: «تعرفه‌های موجود در رابطه با ثبت طلاق آنقدر غیرواقعی است که کسی به آن پایبند نیست؛ درحالی که تعرفه‌ها برای ثبت طلاق نزدیک به ۵۰۰ هزار تومان است، اما این رقم از یک میلیون تا سه میلیون تومان در نوسان است.»

نقد دیگر البته از زبان برخی از سردفتران قدیمی‌تر عنوان شده است. آنها معتقدند کلیت این بخشنامه خوب است، اما جزئیات آن مخالف عدالت است. در واقع با اجرایی شدن آن همه سردفتران در سطوح مختلف شغلی درآمدی یکسان خواهند داشت.

مثلا فردی که ۲۰ سال در این رشته تجربه دارد با یک سردفتر مبتدی درآمد یکسانی خواهد داشت.

به باور آنها هر چند نباید اختلاف فاحشی هم وجود داشته باشد اما یکسان بودن هم مغایر عدالت است؛ آنها معتقدند همان‌طور که طبق قانون برای حقوق مدیران کل سقف وجود دارد باید برای ثبت طلاق در دفاتر هم سقفی منطقی قرار داده شود تا مسیر رقابت هم باز شود.

## جامعه+

### سهمیه‌ها بر چه اساسی

### تعیین شدند

توزیع عادلانه درآمد دفاتر ثبت طلاق و ازدواج دلیل اصلی ابلاغ چنین بخشنامه‌ای بوده است. اما مگر گردش مالی ثبت طلاق برای این دفاتر چقدر است که نیاز به اعمال چنین محدودیت‌هایی حس شده است. به گواه آمارها در شش ماهه نخست امسال ۱۰۱ هزار طلاق ثبت شده است.

پس از صدور حکم گواهی عدم امکان سازش، پرداخت هزینه طلاق در محضر (دفترخانه) است. تعرفه فعلی دفاتر طلاق برای ثبت طلاق توافقی خلعی با ده درصد که به حساب دولت ریخته می‌شود ۴۴۵ هزار تومان است.

هر چند با تماس‌هایی که به برخی از دفاتر ثبت طلاق گرفتهیم میانگین رقم پرداختی از ۷۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان در نوسان است.

اما اگر همان ۵۰۰ هزار تومان ثبت شده در تعرفه را هم در نظر بگیریم این دفاتر فقط برای ثبت طلاق درآمدی معادل ۵۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان داشته‌اند.

حالا آن‌طور که رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق در مورد تعیین سقف ثبت طلاق می‌گوید

سقف تعیین شده بر اساس شاخص‌های مختلف و در هر شهری متفاوت است، اما این‌گونه است که در سال نباید از یک میانگینی

افزایش یابد، به طور مثال در یک شهر یک تعداد ثبت طلاق مجاز شناخته می‌شود و در صورتی که

دفاتر از این سقف عبور کرده و طلاق بیشتری را

ثبت کنند، متخلف شناخته می‌شوند.

همچنین کانون سردفتران ازدواج و طلاق درباره طرح تعیین سقف برای ثبت طلاق در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: این طرح از پنجم بهمن ماه سال جاری

در سراسر کشور بر اساس میانگین وقایع طلاق

شهر مرکز استان به علاوه ۲۰ درصد برای دفاتر

طلاق به صورت سالانه اجرایی‌شود.

بر این اساس برای ثبت طلاق در هر استان با

توجه به میزان جمعیت سقفی تعیین شده

است و دفترخانه‌های طلاق مجاز به ثبت طلاق

بیشتر از حد مجاز نیستند.

ردیف	استان	سقف طلاق
۱	اردبیل	۱۹۲
۲	اصفهان	۱۶۴
۳	البرز	۲۳۰
۴	ایلام	۱۹۱
۵	آذربایجان شرقی	۱۶۰
۶	آذربایجان غربی	۱۷۳
۷	بوشهر	۱۷۲
۸	تهران	۱۸۲
۹	چهارمحال و بختیاری	۹۸
۱۰	خراسان رضوی	۲۷۳
۱۱	خراسان جنوبی	۱۸۰
۱۲	خراسان شمالی	۲۱۵
۱۳	خوزستان	۲۵۳
۱۴	زنجان	۱۴۹
۱۵	سمنان	۲۱۱
۱۶	سیستان و بلوچستان	۱۱۱
۱۷	فارس	۱۹۹
۱۸	قم	۱۸۶
۱۹	کردستان	۱۵۸
۲۰	کرمان	۲۷۸
۲۱	کرمانشاه	۳۱۵
۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	۹۵
۲۳	گلستان	۲۰۳
۲۴	گیلان	۱۷۸
۲۵	لرستان	۱۹۴
۲۶	مازندران	۲۵۶
۲۷	مرکزی	۲۴۵
۲۸	هرمزگان	۱۷۹
۲۹	همدان	۱۷۹
۳۰	یزد	۱۳۸
۳۱	قزوین	۱۶۲